

تاریخ پنهان آیه چهل — شماره چهارده

وای دوم — بخش اول

Jeff Pippenger

2026-06-05

در مقاله پیشین، ما ویژگی‌های نبوی شیپور پنجم، که وای نخست است، را با قانون یکشنبه قریب‌الوقوع منطبق ساختیم. در نظر گرفتن شیپور پنجم به‌عنوان نخستین سه شیپور آخر، از این دیدگاه که اولی مصور آخری است، نقش نبوی اسلام در وای نخست را با زلزله مکاشفه یازده منطبق می‌سازد. روز پس از آن که در جلسه سبت این مقاله را بررسی کردیم، ایمیلی از دوستی دریافت کردم، و دوستم نیز می‌کوشید شیپور ششم، که وای دوم است، را با قانون یکشنبه قریب‌الوقوع منطبق سازد. این رویکردی معتبر است، زیرا سه شیپور آخر، سه وای هستند.

و نگریم و فرشته‌ای را دیدم که در میان آسمان پرواز می‌کرد، و به آواز بلند می‌گفت: وای، وای، وای بر ساکنان زمین، از جهت دیگر صداهاى شیپور آن سه فرشته‌ای که هنوز باید بنوازند! مکاشفه ۸:۱۳.

سه شیپور آخر، در میان هفت شیپور، نمادی متمایز هستند؛ همان‌گونه که سه کلیسای آخر از چهار کلیسای نخست متمایزند، و سه مهر آخر نیز از هفت مهر متمایزند. این حقیقت نبوی در طول سالیان بارها مورد بررسی قرار گرفته است. افزون بر توجه به نوری که از بررسی وای نخست و وای سوم به‌مثابه نمادی از آلفا و امگا پدید می‌آید، باید سه وای را نیز به‌عنوان کاربردی سه‌گانه از نبوت در نظر بگیریم.

کار بست سه‌گانه نبوت نشان می‌دهد که همه ویژگی‌های نبوی مصیبت اول و دوم در مصیبت سوم نیز وجود خواهند داشت. مصیبت اول، اسلام عربستان بود و مصیبت دوم، اسلام ترکیه. مصیبت اول برای «عذاب دادن» بود و مصیبت دوم برای «کشتن» ثلث مردم.

عذاب نخستین وای

و به آنان داده شد که ایشان را نکشند، بلکه پنج ماه عذابشان دهند؛ و عذاب ایشان مانند عذاب عقری بود که انسانی را نیش می‌زند. ... و دمهایی مانند دم‌های عقرب داشتند، و در دم‌هایشان نیش‌ها بود؛ و قدرتشان این بود که مردم را پنج ماه آسیب رسانند. مکاشفه ۹:۵، ۱۰

مرگ وای دوم

و آن چهار فرشته رها شدند؛ که برای ساعتی، و روزی، و ماهی، و سالی مهیا شده بودند تا ثلث مردمان را بکشند. ... به‌وسیله این سه، ثلث مردمان کشته شدند، یعنی به‌وسیله آتش، و دود، و گوگردی که از دهان‌های ایشان بیرون می‌آمد. مکاشفه 9:15، 18

آن دو ثلث از انسان‌ها که کشته نشدند، توبه نکردند.

و باقی مردمانی که په‌واسطه این بلاها کشته نشدند، باز از اعمال دست‌های خویش توبه نکردند، تا دیوها و بت‌های زرین و سیمین و برنجین و سنگی و چوبی را نپرستند؛ همان‌ها که نه می‌توانند ببینند، نه بشنوند، و نه راه بروند. و نیز از قتل‌های خویش، و از جادوگری‌های خویش، و از زناکاری خویش، و از دزدی‌های خویش توبه نکردند. مکاشفه ۹:۲۰، ۲۱

هفت کرنا، بلائی هفتگانه آخر را به صورت نمادین بازمی‌نمایانند، و در آیه بیست، کرناها بلاها خوانده شده‌اند. ایالات متحده آمریکا یک سوم اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب است، و به‌عنوان پادشاهی ششم در هنگام قانون یکشنبه کشته می‌شود. مرگ آن به سبب عبادت باطل پدید آمد، که با «اعمال دست‌های ایشان»، «پرستش» «دیوان و بت‌های زرین و سیمین و برنجین و سنگین و چوبین»، و نیز «قتل‌ها»، «جادوگری‌ها»، «زنا» و «دزدی» به صورت نمادین نشان داده شده است.

عبادت باطل، که عبادت روز یکشنبه نمونه و مظهر آن است، همان «علت»ی است که باید از آن توبه شود؛ اما ایشان توبه نکردند، پس «معلول» آن، عذاب و مرگی است که به وسیله ملخ‌های اسلام آورده می‌شود. هرچند یک سوم انسان‌ها، یعنی ایالات متحده، به واسطه قانون یکشنبه کشته می‌شود، آن دو سوم دیگر توبه نمی‌کنند.

وای‌ها و فرشتگان

مصیبت اول و دوم با فرشته اول و دوم تاریخ میلری مطابقت دارند، و آن تاریخ عیناً، تا به خود حرف، در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار تکرار می‌شود. تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار، تاریخ فرشته سوم است و با مصیبت سوم مطابقت دارد. همان‌گونه که نشانه‌های راه در تاریخ میلری در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار تکرار می‌شوند، به همان‌سان نشانه‌های راه مصیبت اول و دوم نیز در تاریخ فرشته سوم تکرار خواهند شد.

«پیام‌های نخست و دوم در سال‌های 1843 و 1844 داده شدند، و اکنون ما زیر اعلام پیام سوم هستیم؛ اما هر سه پیام هنوز باید اعلام شوند. اکنون نیز به همان اندازه که پیش از این ضروری بوده است، لازم است که آن‌ها برای کسانی که در جست‌وجوی حقیقت‌اند تکرار شوند. ما باید به وسیله قلم و صدا این اعلام را طنین‌انداز سازیم و ترتیب آن‌ها را، و نیز انطباق نبوت‌هایی را که ما را به پیام فرشته سوم می‌رسانند، نشان دهیم. بدون پیام‌های اول و دوم، پیام سوم نمی‌تواند وجود داشته باشد. این پیام‌ها را باید به وسیله نشریات و در مواعظ به جهان برسانیم، و در امتداد تاریخ نبوی، چیزهایی را که بوده‌اند و چیزهایی را که خواهند بود، نشان دهیم.»
Selected Messages, book 2, 104

کار ما به‌عنوان شاگردان نبوت این است که پیام‌های فرشته اول و دوم را در پیام فرشته سوم درهم آمیزیم. بدون دو پیام نخست، نمی‌توان پیام سوم داشت، زیرا «بدون اول و دوم، سوم نمی‌تواند وجود داشته باشد.» این امر از جهت «توالی» صادق است؛ زیرا اگر اول و دوم در کار نباشد، آنگاه سوم در حقیقت همان اولی است. همچنین از جهت «محتوا» نیز صادق است؛ زیرا ویژگی‌های نبوی اول و دوم، ویژگی‌های سوم را مشخص می‌سازند. از نظر ریاضی، بدون اول و دوم، سوم وجود ندارد؛ و از نظر نبوی، اگر نشانه‌های راه اول و دوم کنار گذاشته شوند، در فرشته سوم نیز هیچ نشانه‌ی راهی وجود نخواهد داشت.

«خدا پیام‌های مکاشفه ۱۴ را در جایگاه خود در خط نبوت قرار داده است، و کار آن‌ها تا پایان تاریخ این زمین نباید متوقف شود. پیام‌های فرشته اول و دوم هنوز برای این زمان حقیقت‌اند، و باید به موازات آنچه در پی می‌آید ادامه یابند. فرشته سوم هشدار خود را با آواز بلند اعلام می‌کند. یوحنا گفت: «بعد از این امور، فرشته‌ای دیگر را دیدم که از آسمان نازل می‌شد، دارای قدرتی عظیم، و زمین از جلال او منور گردید.» در این روشنایی، نور هر سه پیام با یکدیگر درآمیخته است.»
The 1888 Materials, 803, 804

کار ما این است که «در امتداد تاریخ نبوی، آنچه بوده است» را در جنبش میلری‌ها، و «آنچه خواهد بود» را در جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر نشان دهیم.

«خداوند در شرف مجازات جهان به سبب شرارت آن است. او در شرف مجازات نهادهای دینی به سبب رد نور و حقیقتی است که به ایشان عطا شده است. آن پیام عظیم، که پیام‌های فرشته اول، دوم، و سوم را در هم می‌آمیزد، باید به جهان اعلام گردد. این باید بار کار ما باشد.» تفاسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، ص. ۹۵۰.

درهم‌آمیختن پیام فرشته اول و دوم همان چیزی است که زمین را روشن می‌سازد هنگامی که فرشته مکاشفه هجده فرود می‌آید. او اظهار داشت: «بعد از این امور، یوحنا گفت، "فرشته‌ای دیگر را دیدم که از آسمان نازل می‌شود، با قدرتی عظیم، و زمین از جلال او منور گردید." در این منوریت، نور هر سه پیام با هم درآمیخته است.» «منوریت» مرتبط با «منور شدن» «زمین» هنگامی تحقق می‌یابد که «نور هر سه پیام با هم درآمیخته شود.» کار درهم‌آمیختن سطر بر سطر این سه پیام، از طریق به موازات یکدیگر قرار دادن تاریخ میلری با تاریخ صد و چهل و چهار هزار، همچنین باید در مورد سه وای نیز به انجام برسد.

سقوط بابل، آن‌گونه که فرشته دوم اعلام کرد، از پیام فرشته اول جداشدنی نیست. پیام فرشته اول، آمدن دوم مسیح را در سال ۱۸۴۳ مشخص ساخت، و هنگامی که آن پیام به نتیجه نرسید، اثر آن پیام موجب سقوط کلیساهای پروتستان شد. اثر، همان فرشته دوم بود؛ علت، ناکامی فرشته اول. اگر فرشته اولی در کار نبود، سقوط بابلی نیز که فرشته دوم اعلام کرد، در کار نمی‌بود. عنصری که علت و معلول را به یکدیگر پیوند می‌داد، «زمان» بود. «زمان» (۱۸۴۳) تحقق نیافت، و همین عدم تحقق «اثر» را پدید آورد. «علت» عبارت بود از خطای این تشخیص که آن سه نبوتی که میلر به اشتباه نتیجه گرفته بود، در حدود سال ۱۸۴۳ به پایان می‌رسند. آن سه نبوت ۱۳۳۵، ۲۳۰۰، و ۲۵۲۰ ساله را میلر چنین باور داشت که با آمدن مسیح بر ابرها در سال ۱۸۴۳ خاتمه خواهند یافت. هنگامی که نبوت‌های زمانی‌ای که میلر آن‌ها را به خطا فهمیده بود، به وقوع نپیوستند، همین امر دلیلی برای پروتستان‌ها فراهم آورد تا پیام فرشته اول را رد کنند، و فرشته دوم فرا رسد. فرشته اول «علت» بود و فرشته دوم «معلول».

پیام‌های فرشته اول و دوم را نمی‌توان از یکدیگر جدا ساخت، زیرا به واسطه زمان نبوی به طور نبوی به هم پیوسته‌اند. بلای اول و دوم نیز به واسطه «زمان» از نظر نبوی به یکدیگر مرتبط‌اند. نبوت زمانی بلای اول که یکصد و پنجاه سال عذاب را مشخص می‌سازد، دقیقاً در همان‌جا پایان می‌یابد که نبوت زمانی بلای دوم، یعنی سیصد و نود و یک سال و پانزده روز که می‌کشد، آغاز می‌شود. نبوت زمانی، بلای اول و دوم را به هم پیوند می‌دهد و نیز پیام‌های فرشته اول و دوم را.

تحقق نبوت‌های زمانی وای نخست و وای دوم، پیام فرشته اول را نیرومند ساخت و فرشته مکاشفه ده را فرود آورد تا جهان را با جلال خویش منور سازد. خواهر وایت، در سخن از فرشته اول، نوشت که به او «گفته شد که مأموریت او این است که زمین را با جلال خود روشن سازد و انسان را از غضب قریب‌الوقوع خداوند برحذر دارد.» این دقیقاً همان مأموریت فرشته سوم مکاشفه هجده است.

«فرشته‌ای که در اعلان پیام فرشته سوم با او متحد می‌شود، باید تمامی زمین را با جلال خویش منور سازد. در اینجا از کاری با گستره‌ای جهانی و قدرتی بی‌سابقه پیشگویی شده است. جنبش ظهور سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۴ تجلی باشکوهی از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته اول به هر ایستگاه بشارتی در جهان رسانده شد، و در برخی کشورها عظیم‌ترین علاقه‌مندی دینی پدید آمد که از زمان اصلاحات قرن شانزدهم تاکنون در هیچ سرزمینی دیده نشده بود؛ اما اینها باید به وسیله آن جنبش نیرومند تحت آخرین هشدار فرشته سوم پشت سر نهاده شوند.»

«این کار مشابه کار روز پنتیکاست خواهد بود. همان‌گونه که «باران اول» در ریزش روح‌القدس در آغاز انجیل داده شد تا سبب رویش بذر گران‌بها گردد، «باران آخر» نیز در پایان آن برای رسیدن

محصول داده خواهد شد. «آنگاه اگر در پی معرفتِ خداوند باشیم، خواهیم دانست: خروج او چون فجر مهیاست؛ و او برای ما مانند باران خواهد آمد، مانند بارانِ آخر و بارانِ اول بر زمین.» هوشع ۶:۳. «پس ای فرزندان صهیون، شادمان باشید و در یهوه خدای خود وجد نمایید، زیرا که او بارانِ اول را به اندازه به شما داده است، و برای شما باران نازل خواهد کرد، یعنی بارانِ اول و بارانِ آخر را.» یوئیل ۲:۲۳. «و خدا می‌گوید در ایامِ آخر از روح خود بر تمامی بشر خواهم ریخت.» «و چنین خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.» اعمال ۲:۱۷، ۲۱.

«کار عظیم انجیل نباید با ظهوری کمتر از قدرت خدا نسبت به آنچه آغازش را مشخص ساخت، به پایان رسد. نبوت‌هایی که در ریزش باران نخستین در آغاز انجیل تحقق یافتند، بار دیگر باید در بارانِ آخر در پایان آن تحقق یابند. اینک همان «اوقاتِ تجدید حیات» است که رسول پطرس بدان چشم دوخته بود، آنگاه که گفت: «پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، تا اوقاتِ تجدید حیات از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی را بفرستد.» اعمال ۳:۱۹، ۲۰. —Great 611 Controversy, 611—۲۰»

تحققِ پیشگویی‌های زمانی وای اول و دوم، در سال 1840 فرشته را فرو آورد تا زمین را به جلال خویش روشن سازد و بدین‌سان پیام فرشته اول را توان بخشید؛ و تحققِ وای سوم، در 9/11 فرشته را فرو آورد تا زمین را به جلال خویش روشن سازد و بدین‌سان پیام فرشته سوم را توان بخشید. روشن شدن زمین از طریق درهم‌آمیختن آن دو جنبش در یک کاربرد موازی—خط بر خط—به انجام می‌رسد. این پیام سه وای است که پیام سه فرشته را توان می‌بخشد. این دو، چونان دو خط در هم تنیده شده‌اند: یکی درونی و دیگری بیرونی. سه فرشته نمایانگر کار قوم خدا هستند و کار آنان به واسطهٔ تحقق سه وای توان می‌یابد. امر بیرونی اسلام و کار نبوی آن است، و امر درونی مسیح در قوم خویش است—امید جلال. از این‌رو، در پیشگویی یعقوب دربارهٔ نمادپردازی دوازده پسر او در ایامِ آخر، یهودا به کره‌الغ بسته شده است.

و یعقوب پسران خویش را فراخواند و گفت: «گرد آید تا شما را از آنچه در ایامِ آخر بر شما واقع خواهد شد آگاه سازم. گرد آید و بشنوید، ای پسران یعقوب؛ و به اسرائیل پدر خود گوش فرا دهید. ... ای یهودا، برادرانت تو را خواهند ستود؛ دست تو بر گردن دشمنانت خواهد بود؛ پسرانِ پدرت در برابر تو تعظیم خواهند کرد. یهودا بچه‌شیر است؛ ای پسر، از شکار بالا آمده‌ای؛ خم شد، چون شیر و چون شیر ژیان در کمین آرمید؛ کیست که او را برخیزاند؟ عصا از یهودا دور نخواهد شد، و نه فرمانروا از میان پاهای وی، تا شیلوه بیاید؛ و فرمانبرداری قوم‌ها از آن او خواهد بود. کره‌الغ خود را به تاک، و بچه‌الغ خویش را به تاک برگزیده می‌بندد؛ جامه خود را در شراب، و لباس خویش را در خون انگورها می‌شوید. چشمانش از شراب سرخ خواهد بود، و دندان‌هایش از شیر سپید.» پیدایش 1:49، 2، 8-12.

مسیح شیر سبطِ یهوداست، که جامه‌های خود را در خون شست، و «مو تاک برگزیده» است که به‌گونه‌ای نبوی به «کره‌الغ» بسته شده است. پیام بیرونی سه وای به پیام درونی سه فرشته بسته شده است. فرشته اول و دوم به موازاتِ فرشته سوم حرکت می‌کنند و وای اول و دوم نیز باید به موازاتِ وای سوم جریان یابند.

کلید

نبرد نینوا «کلید»ی است که تاریکی اسلام را بر جهان می‌آورد، هنگامی که زخمِ مهلکِ کاتولیسیسم رومی در قانون یک‌شنبه‌ای که به زودی خواهد آمد شفا می‌یابد؛ همان که زلزله مکاشفه‌یازده است، جایی که وای سوم ناگهان فرا می‌رسد. این در «ساعت» زلزله واقع می‌شود.

و در همان ساعت زلزله‌ای عظیم رخ داد، و یک‌دهم شهر فرو ریخت، و در آن زلزله هفت هزار تن از مردم کشته شدند؛ و باقی‌ماندگان سخت هراسان گشتند و خدای آسمان را تمجید نمودند. وای دوم گذشت؛ و اینک، وای سوم به‌زودی می‌آید. مکاشفه ۱۱:۱۳، ۱۴

قانون یکشنبه زمان آزمون صورت وحش را برای جهان آغاز می‌کند، و نبرد نینوا کلیدی است که شناسایی می‌نماید فتح پادشاهی ششم را، آنگاه که فاحشه صور به یاد آورده می‌شود، در حالی که آغاز می‌کند به سرودن نغمه‌های خویش در تحقق اشعیا بیست‌وسه. آزمون صورت وحش، آزمونی است که به‌واسطه آن سرنوشت ابدی شخص تعیین می‌گردد، و این سرنوشت پیش از بسته شدن مهلت فیض تعیین می‌شود. مهلت فیض برای جهان آنگاه بسته می‌شود که میکائیل برخیزد. زمان آزمون صورت وحش برای جهان در مکاشفه باب سیزدهم، آیات دوازده و پس از آن، در زمان آزمون صورت وحش برای ایالات متحده به‌گونه‌ای نمادین پیش‌نموده شده است.

«هنگامی که آمریکا، سرزمین آزادی مذهبی، با پایت در واداشتن وجدان و مجبور ساختن انسان‌ها به تکریم سبت کاذب متحد شود، مردمان هر کشور بر سراسر کره زمین به پیروی از نمونه او کشانده خواهند شد.» Testimonies, جلد 6, ص. 18.

زمان آزمون تصویر وحش در ایالات متحده، یک‌صد و چهل‌وچهار هزار مکاشفه هفت را جدا می‌سازد و مهر می‌زند، و زمان آزمون تصویر وحش برای جهان، جماعت عظیم مکاشفه هفت را مهر می‌زند.

«ملت‌های بیگانه از نمونه ایالات متحده پیروی خواهند کرد. هرچند او پیشگام است، با این حال همان بحران بر قوم ما در همه نقاط جهان خواهد آمد.» شهادت‌ها، جلد ۶، ص. ۳۹۵.

کلیدی که به‌وسیله نبرد نینوا نمود یافته است، آغاز زمان آزمون صورت برای جهان را مشخص می‌سازد، در حالی که هم‌زمان پایان زمان آزمون صورت برای ایالات متحده را نیز معین می‌کند. کلیدی که به‌وسیله نبرد نینوا نمود یافته است، چاه بی‌انتها را می‌گشاید؛ چاهی که سیلاب اسلام را، که در جهان به‌صورت ملخ‌ها به تصویر کشیده شده است، به همراه می‌آورد. آن کلید در پایان فریاد نیمه‌شب، به‌وسیله کلیدی که در آغاز فریاد نیمه‌شب همان چاه را در ایالات متحده می‌گشاید، نمونه‌وار نشان داده شده است.

کلید در ایالات متحده در لاویان بیست‌وسه به‌صورت عید کرناها بازنمایی شده است، آنگاه که الاغ در آغاز اعلام فریاد نیمه‌شب رها می‌شود. آن کلید هنگامی گردانده می‌شود که گوی‌های آتشین نشویل فرامی‌رسند. عید کرناها، و حمله بر نشویل هنگامی که اسلام رها می‌شود، نبرد نینوا را در زمان قانون یکشنبه نمونه‌وار می‌سازد.

قانون یکشنبه پایان اعلام فریاد «نیمه‌شب» است، زیرا در آن هنگام فریاد به فریاد «بلند» تبدیل می‌شود، و آغاز آن دوره بنا بر ضرورت نبوی باید پایان را به تصویر کشد. در وای نخست، اسلام می‌بایست به مدت یک‌صد و پنجاه سال لشکرهای روم را عذاب دهد، که نماد ایالات متحده‌اند. کلید (نبرد نینوا) آغاز اعلام فریاد نیمه‌شب را مشخص می‌سازد، همان‌گونه که عید کرناها نیز چنین می‌کند. در لاویان بیست‌وسه، میان عید کرناها و پنتیکاست، که همان عید خیمه‌ها نیز هست، پانزده روز فاصله است. آن پانزده روز در طی زمان آزمون تصویر وحش در ایالات متحده، متناظر با آن یک‌صد و پنجاه سال عذاب در وای نخست است. پانزده، عشر یک‌صد و پنجاه است.

آن پانزده روز (یک‌صد و پنجاه سال) هنگامی پایان می‌یابند که سیصد و نود و یک سال و پانزده روز آغاز می‌شوند. از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، زمان نبوی دیگر قابل‌اعمال نیست؛ از این‌رو، یک‌صد و پنجاه سال عذاب، نمادی از پانزده روز لاویان بیست‌وسه است که با عید کرناها آغاز می‌شود، و پنج روز بعد با عروج علم دنبال می‌گردد، و پنج روز بعد با داوری روز کفار، و سپس پنج روز بعد با ریزش

پنطیکاستی به انجام می‌رسد.

در آنجا «ساعتی و روزی و ماهی و سالی، تا ثلث انسان‌ها را بکشند» آغاز می‌شود. «ساعت» همان ساعت زلزله عظیم است که همان قانون یکشنبه است. «روز» روز انتقام خداوند است، آنگاه که کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتیست‌های روز هفتم از دهان خداوند بیرون افکنده می‌شود.

زیرا ایشان قومی بی‌نصیب از مشورت‌اند، و در آنان هیچ فهمی نیست. کاش حکیم بودند و این را درمی‌یافتند، و فرجام خویش را ملاحظه می‌کردند! چگونه یک تن هزار نفر را تعقیب می‌کرد، و دو تن ده هزار نفر را به فرار وامی‌داشتند، اگر صخره ایشان آنان را نفروخته بود، و خداوند ایشان را تسلیم نکرده بود؟ زیرا صخره ایشان مانند صخره ما نیست؛ حتی دشمنان ما نیز خود داورند. زیرا تاک ایشان از تاک سدوم است، و از کشتزارهای عموره؛ انگورهای ایشان، انگورهای تلخ است، و خوشه‌هایشان مرارت‌بار؛ شراب ایشان زهر اژدهایان است، و سم کشنده افعی‌ها. آیا این نزد من ذخیره نشده، و در میان خزائن من مهر نشده است؟ انتقام و مکافات از آن من است؛ پای ایشان در وقت معین خواهد لغزید؛ زیرا روز مصیبت ایشان نزدیک است، و آنچه بر ایشان خواهد آمد، شتاب می‌کند. زیرا خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد، و بر بندگان خویش ترحم خواهد فرمود، چون ببیند که قوت ایشان از میان رفته است، و نه محبوسی مانده و نه آزاده‌ای. و خواهد گفت: کجایند خدایان ایشان، آن صخره‌ای که بر آن توکل می‌داشتند؟ تثیبه 28:32-37.

«ساعت» آن زلزله، همان «روز هلاکت ایشان» است. این، داوری انانی در آدونتیسیم است که از شناخت دانشی که در ایام آخر افزون می‌شود، بهره‌ای ندارند. آنان صخره‌ای جعلی را برگزیده‌اند تا خانه خود را بر آن بنا کنند، و در واقع، صخره ایشان ریگ بود.

«این هشدار داده شده است: نباید اجازه داده شود چیزی وارد گردد که بنیاد ایمان را که از هنگامی که پیام در سال‌های 1842، 1843، و 1844 آمد، بر آن بنا می‌نهادیم، برهم زند. من در این پیام بوده‌ام، و از آن زمان تاکنون در برابر جهان ایستاده‌ام، وفادار به نوری که خدا به ما عطا کرده است. ما قصد نداریم پاهای خود را از آن سکویی برداریم که بر آن قرار داده شد، آنگاه که روز به روز با دعای جدی خداوند را می‌طلبیدیم و در پی نور بودیم. آیا گمان می‌کنید که من بتوانم نوری را که خدا به من داده است ترک کنم؟ آن باید مانند صخره اعصار باشد. از زمانی که به من داده شد، همواره مرا هدایت کرده است.» Review and Herald, April 14, 1903.

«ماه» نمایانگر ماه نخست است.

پس ای فرزندان صهیون، شادمان باشید و در بیهوه، خدای خویش، وجد نمایید؛ زیرا که او باران نخستین را به اندازه به شما عطا کرده است، و برای شما باران را فرو خواهد فرستاد، یعنی باران نخستین و باران آخر را در ماه اول. و خرمناگاه‌ها از گندم پر خواهد شد، و چرخشت‌ها از شراب و روغن لبریز خواهد گردید. و سال‌هایی را که ملخ خورده است، و کرم غوزه، و کرم برگ‌خوار، و ملخ جهنده، یعنی آن لشکر عظیم مرا که در میان شما فرستادم، به شما باز خواهم گردانید. و شما به فراوانی خواهید خورد و سیر خواهید شد، و نام بیهوه، خدای خود را که با شما به شگفتی رفتار کرده است، ستایش خواهید نمود؛ و قوم من هرگز سرافکنده نخواهند شد. و خواهید دانست که من در میان اسرائیل هستم، و اینکه من بیهوه، خدای شما هستم و دیگری نیست؛ و قوم من هرگز سرافکنده نخواهند شد. یوئیل ۲:۲۳-۲۷.

«ساعت» قانون یکشنبه فرا می‌رسد؛ اسلام وای سوم به‌طور غیرمنتظره ضربه می‌زند، و آدونتیسیم لائودیکیه خجل می‌گردد، زیرا بر صخره‌ی مار اعتماد کرده‌اند. در آن زمان، در ماه اول، باران اخیر بر قومی تطهیرشده فرو ریخته می‌شود. در آن هنگام، ایالات متحده، پس از عذابی که از نشویل به بعد ادامه دارد، کشته می‌شود. آن عذاب که همان ویرانی شهرهاست آغاز می‌گردد، و در ساعت قانون

یکشنبه، ایالات متحده به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس پایان می‌یابد (کشته می‌شود)، و زمان آزمایش تصویر وحش را برای جهان آغاز می‌کند؛ زمانی که هنگامی پایان می‌پذیرد که پادشاهی هشتم به پایان خود برسد و یآوری برای آن نباشد (کشته شود).

فرات

رود فرات به گونه‌ای نمادین با اسلام مرتبط است، و «فرات» به معنای «بارور» یا «جاری شدن» است. در ویل دوم، آن چهار باد که نزد فرات بسته شده‌اند، رها می‌شوند.

و فرشته ششم نواخت، و آوازی از چهار شاخ مذبح زرین که در حضور خداست شنیدم، که به فرشته ششم، آن که شیپور را داشت، می‌گفت: آن چهار فرشته را که بر نهر عظیم فرات بسته شده‌اند، آزاد کن. و آن چهار فرشته آزاد شدند، که برای ساعتی، و روزی، و ماهی، و سالی مهیا شده بودند تا ثلث مردمان را بکشند. مکاشفه ۱۳:۹-۱۵

فرات نمایانگر مرز شرقی سرزمین موعود بود، و اسلام در نبوت همان «بنی مشرق» است. ویژگی نبوی آنان این است که مهار و سپس رها می‌شوند، که این امر با مهار شدن هاجر به وسیله سارا آغاز می‌گردد.

و خدا گفت: «بی‌گمان ساره، زنت، برای تو پسری خواهد زایید؛ و نام او را اسحاق خواهی نهاد؛ و عهد خود را با او، به عنوان عهدی جاودانی، و نیز با نسل او پس از وی، استوار خواهم ساخت. و اما درباره اسماعیل، دعای تو را شنیده‌ام: اینک او را برکت داده‌ام، و او را بارور خواهم ساخت، و او را به غایت کثیر خواهم گردانید؛ دوازده رئیس از او پدید خواهند آمد، و او را به امتی عظیم بدل خواهم کرد.» پیدایش 17:19، 20.

اسماعیل بارور گردانیده شد، و فرات به معنای بارور است. در پایان نبوت یکصد و پنجاه سال عذاب وای نخست، نبوت یک ساعت و یک روز و یک ماه و یک سال آغاز شد، هنگامی که اسلام رها گردید تا ثلثی از مردمان را بکشد. در قانون یکشنبه، ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس کشته می‌شود، و آن ثلثی از روم جدید است. اسلام در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، هم‌زمان با توانمندسازی پیام فرشته نخست، مهار شده بود، و در 9/11، هم‌زمان با توانمندسازی پیام فرشته سوم، رها گردید.

در ۱۱ سپتامبر، مهر نهادن بر آن صد و چهل و چهار هزار تن آغاز شد، هم‌زمان با آن که داوری مردگان پایان یافت و داوری زندگان آغاز گردید. هنگامی که اسلام وای سوم در ۱۱ سپتامبر رها شد، بی‌درنگ در خلال زمان مهرگذاری مهار گردید.

«این رؤیا در سال ۱۸۴۷ داده شد، در زمانی که از برادران ادونتیست نگاه‌دارنده سبت، شمار اندکی وجود داشت، و از میان ایشان نیز تنها معدودی بر این باور بودند که رعایت آن از چنان اهمیتی برخوردار است که میان قوم خدا و بی‌ایمانان خط فاصلی ترسیم کند. اکنون آغاز تحقق آن رؤیا دیده می‌شود. «آغاز آن زمان تنگی» که در اینجا از آن یاد شده است، اشاره به زمانی ندارد که بلاها شروع به ریخته شدن کنند، بلکه به دوره‌ای کوتاه درست پیش از فرو ریخته شدن آنها اشاره دارد، در حالی که مسیح در قدس است. در آن زمان، هنگامی که کار نجات در حال بسته شدن است، تنگی بر زمین عارض خواهد شد، و امت‌ها خشمگین خواهند شد، با این حال مهار خواهند شد تا مانع کار فرشته سوم نشوند. در آن زمان، «باران آخر»، یا تازگی حیات‌بخش از حضور خداوند، خواهد آمد تا به آواز بلند فرشته سوم قدرت بخشد، و مقدسین را مهیا سازد تا در دوره‌ای که هفت بلای آخر ریخته خواهد شد، ایستادگی کنند.» Early Writings, 85.

«مدت کوتاه» زمانی که به پایان مهلت توبه منتهی می‌شود، همان دوره‌ای است که «مسیح در قدس» است و «کار نجات» را «به پایان می‌رساند.»

«در نظام نمونه‌ای، که سایه‌ای از قربانی و کهانت مسیح بود، تطهیر قدس آخرین خدمتی بود که کاهن اعظم در جریان خدمت سالانه انجام می‌داد. این، کار پایانی کفاره بود—برداشتن یا دور کردن گناه از اسرائیل. این امر، کار پایانی را در خدمت کاهن اعظم ما در آسمان پیش‌نمون می‌ساخت، یعنی زدودن یا محو کردن گناهان قوم او که در سوابق آسمانی ثبت شده‌اند. این خدمت، مستلزم کاری از بررسی، کاری از داوری است؛ و بی‌درنگ پیش از آمدن مسیح در ابرهای آسمان با قدرت و جلال عظیم واقع می‌شود؛ زیرا هنگامی که او می‌آید، درباره هر موردی تصمیم گرفته شده است. عیسی می‌فرماید: «و اینک به زودی می‌آیم، و پاداش من با من است تا هر کس را موافق اعمالش جزا دهم.» مکاشفه 22:12. این همان کار داوری است که بی‌درنگ پیش از بازگشت دوم اعلام می‌شود، در پیام فرشته اول مکاشفه 14:7: «از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او رسیده است.» نبرد عظیم، 352.

«محو گناهان قوم او» در خلال داوری زندگان رخ می‌دهد.

پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، تا اوقات تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی مسیح را که از پیش به شما موعظه شده بود، خواهد فرستاد؛ همان که آسمان می‌باید او را در خود نگاه دارد تا زمان‌های اعاده همه چیزها، که خدا از آغاز جهان به زبان همه انبیای مقدس خود از آن سخن گفته است. اعمال ۱۹:۳-۲۱

برای آن که کسی توبه کند، باید زنده باشد، و توبه‌ای که پطرس در اینجا در معنای کامل آن به آن اشاره می‌کند، هنگامی واقع می‌شود که «ایام تازگی از حضور خداوند فرا رسد.» آن آرامی و آن تازگی، همان باران آخر است که از زمانی آغاز شد که فرشته نیرومند مکاشفه هجده فرود آمد تا زمین را به جلال خود منور سازد. آن فرشته نیرومند همچنین همان فرشته اول ۱۱ اوت ۱۸۴۰ بود که هنگامی فرود آمد که اسلام مهار شد، و آن فرشته «کسی کمتر از شخص عیسی مسیح نبود.» «تازگی» و «اوقات رد همه چیز» با رها شدن اسلام برای به خشم آوردن امت‌ها آغاز می‌شود، و سپس در حالی که صد و چهل و چهار هزار نفر می‌شوند، مهار می‌گردد. ۱۱ سپتامبر، زمان‌های تازگی و آرامی را که همان باران آخر است، مشخص می‌سازد، و همچنین دوره «رد همه چیز» را نشان می‌دهد. آنچه در کلیسا اعاده می‌شود—کلیسایی که از زمان طغیان ۱۸۶۳ کلیسای مجاهد بوده است، اما کلیسای ظافر خواهد شد—زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر است.

کلیسای مجاهد آمیزه‌ای از گندم و گل‌هاست، و کلیسای ظافر، هدیه نخستین گندم پنتیکاست است. 9/11 نخستین بار بود که بلعام‌اللاغ را زد، و بلعام (ایالات متحده) بلافاصله پس از آن حمله غافلگیرانه، جنگی جهانی علیه تروریسم را آغاز کرد. اللاغ بلعام نمایانگر سه وای است که وای سوم را تشکیل می‌دهند و به موازات پیام‌های سه فرشته جریان دارند. بنابراین، سه وای از لحاظ نبوی به وسیله سه گام سه فرشته هدایت می‌شوند. از این رو، بار دوم که بلعام‌اللاغ را می‌زند، مضاعف‌سازی است، چنان‌که همواره در گام دوم چنین است. در میان دو تاکستان سرزمین باشکوه کهن لفظی و نوین روحانی، اسلام در 7 اکتبر 2023 بر اسرائیل ضربه زد، و بی‌درنگ مهاری بر غزه نهاده شد، و سپس اسلام به نشویل ضربه خواهد زد.

حمله نشویل دومین آن دو یورش غافلگیرانه است که در شهادت بلعام در میان تاکستان‌ها رخ می‌دهد. نشویل آن نشان راه نبوی را مشخص می‌سازد که در آن، پیام فریاد نیمه‌شب به فرشته دوم می‌پیوندد. پیام فریاد نیمه‌شب از هنگامی آغاز می‌شود که دو شاگرد مسیح، (که نمایانگر پیام فرشته دوم هستند) در آغاز ورود ظفرمندان، اللاغ را باز می‌کنند. آن حرکت دسته‌جمعی در نهایت به صلیب منتهی می‌شود، که نمایانگر زلزله قانون یکشنبه قریب‌الوقوع است؛ جایی که فاحشه روم، پس از آن‌که در تاریخ ایالات متحده به فراموشی سپرده شد، بر ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس غلبه می‌یابد.

هنگامی که فاحشه در قانون یک‌شنبه سرودهای خود را آغاز به خواندن کند، نبرد نینوا تکرار شده خواهد بود و آن کلیدی که آغاز زمان آزمون صورت وحش را در جهان نشان می‌کند، گردانیده شده خواهد بود. نبرد نینوا پایان اعلان فریاد نیمه‌شب است، که سپس به فریاد بلند فرشته سوم بدل می‌شود. آغاز آن دوره، که با حمله غافلگیرانه بر نشویل مشخص می‌گردد، نیز به وسیله نبرد نینوا نمونه‌وار شده خواهد بود، زیرا عیسی، به‌عنوان آلفا و امگا، همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد. حمله به نشویل، به ضرورت نبوی، عناصر پیروزی روم بر پارس را در بر خواهد داشت که به اسلام اجازه می‌دهد زمین را از تاریکی پر سازد. دونالد ترامپ نماد صورت روم است؛ از این رو او در نبرد نینوا که با ضربه نشویل مرتبط است، غالب خواهد شد، اما قوت او برای مقاومت در برابر سیلاب اسلام تحلیل رفته خواهد بود.

نبردی که رونالد ریگان در سال ۱۹۸۹ با کامیابی به پایان رساند، جنگ سردی بود که در پایان جنگ جهانی دوم آغاز شده بود. جنگ سرد ترامپ، نبرد پانیوم است، و به جنگ جهانی سوم در هنگام قانون یک‌شنبه منتهی می‌شود؛ همان رویدادی که به واسطه نبرد آکتیوم و نیز نبرد نینوا به صورت نمادین پیش‌نمایی شده است. جنگ سرد ترامپ، که با نبرد پانیوم بازنمایی می‌شود، به فرو ریختن «دیوار» جدایی کلیسا و دولت در قانون اساسی می‌انجامد؛ چنان‌که فرو ریختن «دیوار» برلین در سال ۱۹۸۹ نمونه آن بود.

نشویل نقطه‌ای را نمایندگی می‌کند که در آن الاغ بلعام، پای بلعام را به دیوار می‌فشارد؛ و بدین‌سان، معلولیتی در کنار دیوار را مشخص می‌سازد. دوره فریاد نیمه‌شب با رویدادی آغاز می‌شود که به دیوار جدایی در قانون اساسی برخورد می‌کند؛ و از این رو، آغاز برپا شدن تصویر وحش را - که همان پیوند کلیسا و دولت است - با نشانه‌ای مشخص می‌سازد که به‌طور نمادین، فرو ریختن دیوار جدایی را در پایان برپا شدن تصویر وحش نشان می‌دهد. دونالد ترامپ از لحاظ نبوی با یک فرمان اجرایی سخن خواهد گفت؛ فرمانی که به‌طور نمادین، سخن گفتن در هنگام قانون یک‌شنبه را مجسم می‌سازد، چنان‌که در قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی ۱۷۹۸ به صورت نمادین نشان داده شده است. او در آنجا جهانی‌گرایان حزب دموکرات و همتایان آنان، یعنی جهانی‌گرایان RINO در حزب جمهوری‌خواه، را شکست خواهد داد. پیروزی او بر دشمنانی که در نبرد نینوا به وسیله فارس به‌طور نمادین نشان داده شده‌اند، هر دو سوی جنگ سیاسی را از نیروی لازم برای مقاومت در برابر ملخ‌های اسلام که در سراسر سرزمین گسترش خواهند یافت، تهی خواهد ساخت. پای کوفته‌شده ترامپ همان دیوار در آغاز اعلام فریاد نیمه‌شب است که به دیوار پایان رهنمون می‌شود.

این بررسی سه‌وی را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.